



درس ششم

فداکاران

- عده ای - حتمی - هم نوعان - موفقیت - پیشروی - پرتاب - دودکش - جاودانه -
- زنجیرهای - مزرعه - ثبت نام - متوجه - درس خوان - مسافران - خطر - جلوگیری -
- شعله های - ذهن - واقعه ی - اشتیاق - جان - شجاع - تحمیلی - گرفتار - اشغال -
- حرکت - آزار - نجات - فدا - اثر

همیشه انسان های بزرگ و فداکاری هستند که برای نجات دیگران یا کمک به جان خود را به می اندازند به همین سبب نام و یاد این افراد فداکار در مردم می ماند.. سهام خیام دختری و باهوش بود. دوره ی دبستان را با به پایان رساند و با در کلاس اول راهنمایی..... کرد ولی به علت آغاز جنگ و شهر نتوانست به مدرسه برود. او با سنگ دشمن را می داد. سرانجام در پانزدهم مهرماه ۱۳۵۱ رگبار گلوله ای اشغالگران سهام را به آغوش خدا رساند. محمد حسین فهمیده نارنجک را به کمر بست و در زیر تانک دشمن جان خود را کرد. تا از آنان به سوی خاک ایران کند. و در غروب یک سرد پاییزی، وقتی ریزعلی خداجوی از به خانه برمی گشت. شد که بر ریزش کوه مسیر قطار بسته شده است راننده قطار با دیدن آتش، قطار را نگه داشت و این قطار را از مرگ نجات یافت. حسین امیدزاده، معلم فداکاری بود که در یک آتش سوزی جان دانش آموزان را داد وقتی بخاری کلاس آتش گرفت و آن اқشار دانش آموزان در میان آتش و دود شدند. این معلم و فداکار جان خود را به خطر انداخت و از دانش آموزان را نجات داد.

*** موفق باشید ***

بازخورد معلم:

